



مجتمع آموزش عالی فقه

مدرسه عالی فقه تخصصی

رساله دکتری

رشته فقه سیاسی

عنوان:

شهروندی از منظر فقه اسلامی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین استاد دکتر قاسم شبان‌نیا

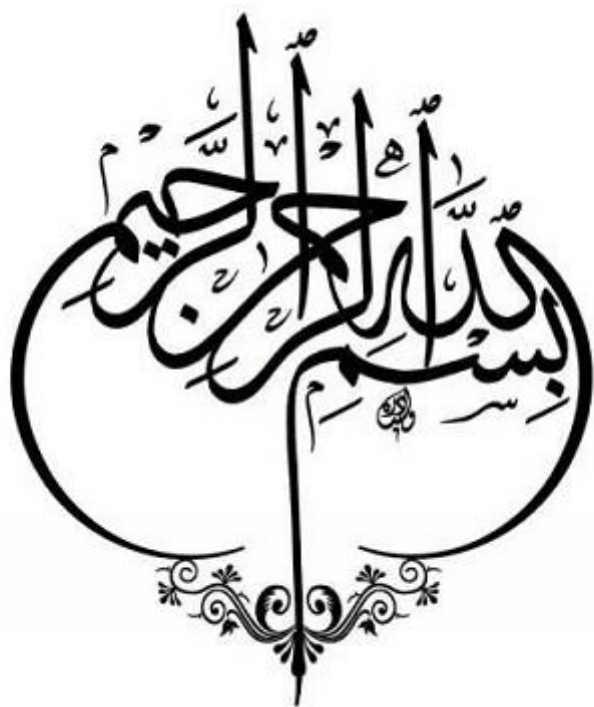
استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین استاد سید مرتضی تقوی

دانش‌پژوه:

محمد علی حسینی

دی ماه ۱۳۹۹



مسئولیت مطالب مندرج در این رساله به عهده نویسنده است.
هرگونه استفاده از این رساله با ذکر منبع، بلا اشکال است و نشر آن
بدون اجازه از جامعة المصطفی ممنوع می باشد.

تقدیم:

اگر بر این تلاش اندک اجر و پاداشی باشد آن را اهدا می‌کنم به:
به روح پدر مرحوم و عموی مرحوم که در حین تدوین این رساله به لقاء خداوند شتافتند و مادر
مهربانم که دعای روح پرورشان همواره بدرقه راهم بود و به همسر گرامی ام که در انجام تدوین
این رساله مسئولیت تکالیف من را به دوش کشید.

تقدیر:

شکر و سپاس اولاً و بالذات از آن خداوند سبحان است که به این ناچیز توفیق فراگیری علوم و معارف دینی و شرعی را عنایت نموده و با الطاف کریمانه اش این پژوهش به ثمر بنشیند.

ثانیاً مراتب سپاس و قدردانی خویش را از همه عزیزانی که به نحوی در نوشتن این رساله همکاری داشته‌اند به خصوص شخصیت‌های حقیقی و حقوقی زیر که در تدوین این رساله نقش اساسی را ایفا کرده‌اند، ابراز دارم:

جامعة المصطفی العالمیة، مجتمع آموزش عالی فقه، مدرسه عالی فقه تخصصی، معاونت آموزش و تحصیلات تکمیلی و اساتید محترم فقه تخصصی سیاسی که زمینه تحصیل علم و تدوین رساله را برایم فراهم ساختند.

استاد فرهیخته و گرامی جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر قاسم شبان‌نیا که در انتخاب این موضوع بنده را ارشاد و با قبول راهنمایی بر آن در به ثمر نشستن این تحقیق همواره مسیر انجام آن را هموار نموده تا تحقیق موصوف ثمر نشیند.

استاد ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین سید مرتضی تقوی که در راه کسب علم و معرفت مرا یاری نموده و از مشاوره‌های دقیق و انتقادی خویش بهره‌مندم ساخت و با دقت تمام هر بار کل تحقیق را با ریزبینی خاص مورد بازبینی قرار داده و کاستی‌های آن را یادآوری فرموده است.

اساتید محترم حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدجواد نورزی و حجت الاسلام آقای دکتر مهدی باباپور که در به انجام رسیدن این پژوهش از ارشادات و راهنمایی‌های عالمانه و دلسوزانه‌شان دریغ نفرمودند و در انجام تحقیق و مشکلات فراوان بهترین یاری و راهنمایی را داشته‌اند.

برادر ارجمند مسئول واحد پایان‌نامه حجت الاسلام والمسلمین آقای گوهری که در انجام این تحقیق مساعدت‌های لازم را مبذول داشته‌اند و همین‌طور دوست گرامی ام جناب آقای دکتر محمد سالم محسنی که همیشه در به انجام رساندن این تحقیق یاور حقیر بوده است اظهار تشکر و سپاس را داشته باشم، انشاء الله که خداوند برای این بزرگواران بهترین پاداش را عنایت فرماید.

چکیده

شهروندی اصطلاحی است که در سال‌های اخیر وارد ادبیات سیاسی و حقوقی نظام اسلامی شده است. این مفهوم اگرچه در معنای مدرن آن از دستاوردهای دنیای غرب تلقی می‌شود و منظر غرب محور، در الگوهای دیگر چنین تعبیری وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد مسأله شهروندی امری عام و فراگیر است. شهروندی از جایگاه فرد در عرصه سیاسی-اجتماعی حکایت می‌کند و حقوق و تعهدات او را در عرصه ای عمومی بیان می‌دارد. با این نگرش می‌توان از الگوی شهروندی در جامعه اسلامی نیز سخن گفت. بنابراین، روح و محتوای آن چیزی تازه‌ای نیست بلکه در آموزه‌های فقهی و حقوقی اسلام همواره وجود داشته است؛ براین اساس شهروندی را نمی‌توان ناسازگار با شریعت تلقی کرد. فرضیه تحقیق این است که الگوی شهروندی در عین حال که یک مفهوم مدرن است و در چارچوب اندیشه و تفکر غرب تعریف شده است؛ اما روح آن که همان «انسان سیاسی - اجتماعی دارای حق و تکلیف» است، اسلام دینی جامعی است که در عرصه سیاسی - اجتماعی نیز دیدگاه خاص خود را دارد. در شریعت اسلامی وجود دارد و با تأمل در آموزه‌های شریعت، می‌توان این حقوق و تکالیف را که جوهره اصلی شهروندی است، به دست آورد. نمود بارز این امر را می‌توان در استخراج و انتساب جامعه مدنی به صدر اسلام یافت. هر چند جامعه مدنی مفهومی مدرن است، اما این امر مانع از جستجوی ریشه‌ها و بنیادهای آن در سنت و گذشته اسلامی نخواهد شد.

آنچه اهمیت مسئله را به اثبات می‌رساند، این است که امروزه رعایت حقوق و تکالیف شهروندی و نهادینه شدن آن در نظام سیاسی و حقوقی، معیار توسعه‌یافتگی کشورها و کارآمدی نظام‌های سیاسی و حقوقی تلقی می‌شود.

هدف تحقیق این است که مفهوم و الگوی شهروندی را در آموزه‌های شریعت شناسایی و الگوهای مناسب شهروندی در جامعه اسلامی تبیین نموده و معیارها و مبانی آن را استنباط کند تا در نهایت، حقوق و تکالیف شهروندی بر مبنای آن، تعریف و ارزیابی شوند. بدین جهت مسأله ای که در این زمینه مطرح است، بررسی چگونگی نگرش منابع اسلامی و به ویژه سیره معصومان (ع) به جایگاه فرد در عرصه سیاسی - اجتماعی و چگونگی عضویت وی در آن، و نیز حقوق و وظایف او می‌باشد. در این تحقیق از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق نشان داده است که به‌رغم نوظهور بودن اصطلاح شهروندی، ابعاد مفهومی و ضرورت پاسداشت آن، در آموزه‌های اسلامی مورد توجه و تأکید شارع قرار گرفته است. ابعاد حقوق و تکالیف شهروندی و لزوم رعایت حقوق و تکالیف شهروندان بدون اعمال تمیزاتی چون نژاد، زبان، جنسیت و حتی مذهب (در قدر متیقنی از این حقوق)، در منابع فقه اسلامی به‌وضوح قابل مشاهده است، از این رو، نظام سیاسی اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی - اسلامی موظف اند حقوق شهروندان را محترم شمرده و بر تأمین و حراست از آن همت گمارند. در برابر شهروندان نیز مکلف‌اند، به تکالیف دولت اسلامی گردن نهند.

واژگان کلیدی: شهروندی، رعیت، امت، فقه اسلامی، معیار، مبانی، حقوق، تکالیف مشارکت، مخالفان سیاسی - عقیدتی.

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ
فصل اول:	۱
کلیات و مفاهیم	۱
مبحث اول: طرح تحقیق	۲
مقدمه	۲
۱. بیان مسئله	۳
۲. ضرورت تحقیق	۴
۳. سؤالات تحقیق	۵
۴. سؤال‌های فرعی	۵
۵. فرضیه تحقیق	۵
۶. هدف تحقیق	۶
۷. روش تحقیق	۶
۸. پیشینه تحقیق	۶
۹. نوآوری تحقیق	۷
۱۰. ساختار تحقیق	۷
مبحث دوم: مفهوم‌شناسی	۸
۱. مفاهیم اصلی موضوع تحقیق	۸
۱-۱. مفهوم شهروندی	۸
۱-۲. مفهوم رعیت	۱۰
۱-۳. کاربرد رعیت در فقه اسلامی	۱۱
۱-۴. مفهوم تابعیت	۱۴
۱-۵. مفهوم ملت	۱۵
۱-۶. مفهوم امت	۱۷
۱-۷. مفهوم فقه	۱۷
الف) فهم معارف دین	۱۸
ب) فهم احکام عملی دین	۱۹
۱-۸. مفهوم حق	۲۰
۱-۹. مفهوم تکلیف	۲۳

۲۴	۲. کلیات همسوبا موضوع تحقیق
۲۴	۲-۱. خاستگاه حق و تکلیف
۲۶	۲-۲. منبع حق و تکلیف
۲۷	۲-۳. مبنای حق و تکلیف
۲۸	۲-۴. نسبت حقوق بشر و شهروندی
۳۳	فصل دوم:
۳۳	معیار و مبانی شهروندی
۳۴	مبحث اول: پیشینه و معیار شهروندی
۳۴	۱. شهروندی در نظام حقوقی - سیاسی غرب
۳۵	۱-۱. شهروندی در دوره پیشامدرن
۳۷	۱. ۲. شهروندی در دوره مدرن
۳۹	۲. شهروندی در فقه اسلامی
۴۰	۲. ۱. معیار شهروندی از دیدگاه فقه سنتی
۴۳	۲. ۲. معیار شهروندی در فقه معاصر
۴۵	۲-۲-۱. گستره مفهوم امت در قرآن
۴۶	الف) آیات ناظر به فطرت مشترک انسان
۴۷	ب) آیات ناظر به وحدت نوع بشری
۴۸	ج) آیات مشعر به وحدت در امور دنیوی
۵۱	۲-۲-۲. گستره مفهوم امت در سنت
۵۶	مبحث دوم: مبانی شهروندی در اسلام
۵۶	۱. مبنای هستی‌شناختی
۵۷	۱-۱. اصل توحید
۶۱	۱-۲. اصل عدالت
۶۳	۱-۳. اصل معاد
۶۴	۱-۴. اصل نبوت - امامت
۶۶	۲. مبانی معرفت‌شناختی
۶۶	۲-۱. منابع و راه‌های دستیابی به معرفت
۶۶	۱-۱-۲. نقش وحی در معرفت
۶۷	۲-۱-۲. قرآن و روایات اصیل‌ترین منبع و حیانی شناخت
۶۸	۲-۱-۳. نقش عقل در معرفت

۷۰	۳. مبانی انسانشناختی
۷۱	۳-۱. ماهیت و چیستی انسان
۷۲	۳-۲. هویت و کیستی انسان
۷۳	۳-۳. فطرت مشترک انسان
۷۴	۳-۴. انتخاب‌گری انسان
۷۵	۳-۵. کمال‌خواهی انسان
۷۶	۳-۶. کرامت مشترک انسان
۷۹	مبحث سوم: کارکرد معیار و مبانی در استنباط الگوی شهروندی از دیدگاه فقه
۷۹	۱. دیدگاه مشهور فقها؛ (شهروندی مبتنی بر ایمان)
۷۹	۱-۱. کثرت نوعی و انسان‌های متباین
۸۰	۱-۲. نفی کرامت ذاتی مشترک
۸۱	۱-۳. تشکیک در فطرت مشترک انسان
۸۴	۲. دیدگاه غیر مشهور (شهروندی مبتنی بر کرامت و فطرت مشترک انسانی)
۸۵	الف) ساختار درونی آیه کرامت
۸۶	ب) ساختار بیرونی آیه کرامت
۹۱	۴- تحلیل و ارزیابی
۹۳	نتیجه
۹۵	فصل سوم:
۹۵	شهروندی مسلمانان تابع نظام اسلامی
۹۶	مبحث اول: حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان مسلمان
۹۶	۱. حق امنیت اجتماعی - سیاسی
۱۰۱	۱.۱. سازوکارهای تأمین امنیت
۱۰۱	۱.۱.۱. قصاص
۱۰۳	۱.۱.۲. احتیاط در خون انسان مسلمان
۱۰۶	۱.۱.۳. حرمت اضرار به حیات انسان‌ها
۱۰۷	۱.۱.۴. ارزش خون انسان مسلمان
۱۰۸	۱.۱.۵. دفع حدود به شبهات از انسان مسلمان
۱۰۹	۱.۱.۶. حفظ مصلحت جان انسان مسلمان
۱۱۱	۱.۱.۷. برائت انسان مسلمان از جرم
	۲. حق آزادی ۱۱۱

۱۱۲	۲-۱. مستند آزادی در فقه اسلامی
۱۱۲	۱-۱-۲. اصل توحید
۱۱۳	۲-۱-۲. اصل عدم ولایت
۱۱۶	۳-۱-۲. اصل کرامت ذاتی انسان
۱۱۶	۴-۱-۲. اصل اباحه
۱۲۰	۲. ۲. جلوه‌های آزادی‌های سیاسی - اجتماعی
۱۲۱	۱-۲-۲. حق آزادی اندیشه
۱۲۳	۲-۲-۲. حق آزادی عقیده
۱۲۵	۳-۲-۲. آزادی بیان
۱۳۰	مبحث دوم: حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی - اجتماعی
۱۳۰	۱. شورا و مشارکت سیاسی شهروندان مسلمان
۱۳۱	۱-۱. شورا و مشارکت شهروندان در سطح تصمیم‌سازی
۱۳۱	۱-۱-۱. الزامی بودن شورا بر حکومت اسلامی
۱۳۴	۲. ۱. ۲. الزام‌آور بودن شورا بر حاکم اسلامی
۱۳۶	۲. ۲. شورا و مشارکت شهروندان در سطح نظام‌سازی
۱۴۰	۳. بیعت و مشارکت سیاسی
۱۴۱	۳-۱. بیعت به مثابه مشروعیت ساز نظام سیاسی
۱۴۶	۳-۲. بیعت به مثابه مقبولیت ساز نظام سیاسی
۱۴۷	۴. نصیحت پیشوایان مسلمانان و مشارکت سیاسی
۱۴۸	۵. امر به معروف و نهی از منکر مشارکت سیاسی
۱۵۹	مبحث سوم: تکالیف و محدودیت‌های شهروندان مسلمان
۱۶۰	۱. محدودیت‌ها و مسئولیت‌های عام
۱۶۰	۱-۱. رعایت حقوق و آزادی دیگران
۱۶۱	۲-۱. رعایت مصالح عمومی
۱۶۴	۳-۱. رعایت اخلاق حسنه در جامعه
۱۶۵	۴-۱. وفاداری به نظام سیاسی و حکومت
۱۶۶	۵-۱. اطاعت از قوانین و دستورات حکومت
۱۶۸	۶-۱. اجابت دعوت حاکم
۱۶۸	۷-۱. پرداخت مالیات
۱۶۹	۸-۱. خیرخواهی و نظارت بر حکومت

۱۷۰	۲. تکالیف و محدودیت‌های خاص
۱۷۳	نتیجه‌گیری
۱۷۵	فصل چهارم:
۱۷۵	شهروندی مخالفان سیاسی - عقیدتی
۱۷۷	مبحث اول: اصول تعامل با مخالفان سیاسی
	۱. اصل عدالت ۱۷۷
۱۷۹	۲. اصل تساهل و مدارا
۱۸۲	۳. اصل احترام به تفاوت و اختلاف
۱۸۴	۴. اصل محبت و نفی خشونت
۱۸۶	۴. اصل دعوت و هدایت
۱۸۸	مبحث دوم: حقوق و آزادی اقلیت‌های مخالف سیاسی مسلمان
۱۸۸	۱. حقوق و آزادی‌های سیاسی مخالفان سیاسی
۱۸۸	۱-۱. حق مشارکت آزاد
۱۸۹	۱. ۱-۱. حق مشارکت در انتخاب‌گری
۱۹۰	۲-۱-۱. حق انتخاب شدن
۱۹۱	۲-۱. آزادی اندیشه و عقیده
۱۹۲	۳-۱. آزادی بیان
۱۹۳	۴-۱. ارتداد چالشی بر حق آزادی عقیده و بیان
۱۹۳	الف) ناسازگاری احکام ارتداد با آزادی عقیده
۱۹۵	ب) سازگاری احکام ارتداد با موضوع آزادی عقیده
۲۰۰	۵-۱. تحلیل و ارزیابی
۲۰۱	۲. حقوق و آزادی‌های اجتماعی مخالفان سیاسی
۲۰۱	۱-۲. حق امنیت و آزادی
۲۰۳	۲-۲. حق آزادی عمل در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی
۲۰۴	۳-۲. حق استفاده از امکانات عمومی
۲۰۵	۴-۲. حق برگزاری اجتماعات
۲۰۷	مبحث سوم: شهروندی مخالفان اعتقادی - دینی
۲۰۷	۱. شهروندی و پیمان ذمه
۲۰۸	۲. شهروندی و پیمان مدینه
۲۱۰	۳. حقوق و آزادی‌های اجتماعی

۲۱۰	۳-۱. حق کرامت انسانی.....
۲۱۱	۳-۱-۱. جزیه و کرامت اقلیت‌ها
۲۱۲	۳-۱-۲. تحقیر در اعطای جزیه و کرامت اقلیت‌های دینی.....
۲۱۴	۳-۲. حق امنیت و مصونیت همه‌جانبه.....
۲۱۹	۳-۴. سازوکارهای تأمین امنیت اقلیت‌های دینی
۲۱۹	الف) حرمت جان انسان
۲۲۲	ب) احتیاط در دماء و نفوس
۲۲۳	ج) قاعده امان
۲۲۳	د) عدم اضرار بر دیگران
۲۲۴	ح) اصل براءت
۲۲۵	۴. حق مساوات و برابری
۲۳۰	۴. حقوق و آزادی‌های سیاسی
۲۳۱	۴-۱. حق مشارکت سیاسی
۲۳۲	۴-۱-۱. حق انتخاب حاکمان و مشارکت سیاسی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی
۲۳۴	۴-۱-۲. حق گزینش سیاسی و دسترسی به مناصب حکومتی.....
۲۳۵	۴-۱-۲-۱. وفاداری به نظام سیاسی
۲۳۶	۴-۱-۲-۲. امانت بودن مناصب حکومتی
۲۳۸	۴-۱-۲-۳. اصل عدم ولایت کافران بر مؤمنان.....
۲۴۰	۴-۱-۲. تحلیل و ارزیابی
۲۴۴	۴-۳. حق آزادی عقیده.....
۲۴۵	۴-۳-۱. حق رسمیت دین
۲۴۶	۴-۳-۲. حق آزادی انجام شعائر دینی.....
۲۴۸	۴-۳-۳. حق آزادی تأسیس مکان‌های پرستش
۲۴۹	۴-۴. جهاد چالشی بر آزادی عقیده
۲۵۴	۴-۵. تحلیل و ارزیابی.....
۲۵۷	۲. جایگاه آزادی و حقوق اقلیت‌های غیردینی.....
۲۶۳	تحلیل و ارزیابی
۲۷۴	مبحث چهارم: تکالیف و محدودیت‌های شهروندان مخالف سیاسی - عقیدتی
۲۷۴	۱. تکالیف و محدودیت‌های عام
۲۷۴	۱-۱. قاعده حفظ نظام

- ۲۷۶..... ۲-۱. قاعده لاضرر.....
- ۲۷۶..... ۳-۱. قاعده تعظیم شعائر.....
- ۲۷۷..... ۳. ۴. قاعده وفای به عهد.....
- ۲۷۹..... ۲. تکالیف و محدودیتهای خاص اقلیت‌های دینی.....
- ۲۷۹..... ۲-۱. پذیرش حاکمیت سیاسی مسلمانان.....
- ۲۸۰..... ۲-۲. عمل به تعهدات.....
- ۲۸۲..... ۲-۳. همکاری نکردن با دشمن.....
- ۲۸۳..... ۲-۴. پرداخت مالیات.....
- ۲۸۴..... ۲-۵. آزار و اذیت نکردن مسلمانان.....
- ۲۸۵..... ۲-۶. عدم تظاهر به محرمات اسلامی.....

نتیجه‌گیری ۲۸۵

- ۲۸۸..... جمع بندی و نتیجه‌گیری.....
- ۲۹۸..... پیش‌نهاد.....
- ۳۰۰..... منابع.....
- ۳۰۰..... الف) منابع عربی.....
- ۳۱۲..... ب) منابع فارسی.....
- ج) مقالات ۳۱۹

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

مبحث اول: طرح تحقیق

مقدمه

شهروندی از مفاهیم کلیدی در شناخت و توصیف جایگاه انسان در نظام سیاسی امروزی است. آنچه انسان معاصر را از انسان قرون گذشته متمایز می‌سازد، هویت شهروندی اوست. امروزه نقش شهروندی به‌عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به حکومت مردمی و مردم‌سالار مطرح می‌باشد و عضویت در یک نظام سیاسی را مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف ملازم یکدیگر می‌داند که هر کس شهروند جامعه باشد، به طور برابر از آن برخوردار می‌شود. توجه به هویت سیاسی اجتماعی شهروندان هرچند دارای پیشینه طولانی در تاریخ اندیشه بشری است؛ اما در دوره مدرن و معاصر بیش از گذشته مورد توجه واقع شده است؛ به گونه‌ای که برخی از متفکران معاصر، مشخصه اصلی مدرن را «شهروند مداری حق محور» در مقابل «شهروند مداری تکلیف محور» که ویژگی دوران قدیم بوده می‌دانند. قطع نظر از بررسی و سیر تطور این مفهوم در دنیای غرب، در جوامع اسلامی بحث در این است که آیا می‌توان نشانه‌های از مفاهیم مدرن به‌ویژه بحث از شهروندی و حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندی را در نصوص و منابع دینی پی‌جویی کرد؟ بررسی نصوص و گفتار اندیشمندان مسلمان نشان می‌دهد که دیدگاه متفاوتی نسبت به شهروندی مطرح شده است. برخی از اندیشمندان فقه سیاسی بر انحصار غربی بودن بسیاری از مفاهیم و ناسازگاری آن‌ها با آموزه‌های دینی تأکید دارند و این مفاهیم را کاملاً بیگانه با آموزه‌های شریعت و نصوص دینی می‌دانند. بر اساس این رویکرد، این مفاهیم در بردارنده اندیشه‌های جدیدی است که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن‌ها را در فقه سنتی شاخص‌بندی کرد و معیارهای آن را بر نصوص دینی تحمیل کرد. اما در مقابل برخی از فقیهان و اندیشمندان معاصر چنین می‌اندیشند که سنت فکری اسلامی چنین ظرفیت و امکان بالقوه را دارد که مقولات مدرنی همچون، شهروندی و استلزامات آن را بتوان از دل منابع دینی استخراج و شاخص‌بندی نمود. از منظر این دیدگاه می‌توان با بازخوانی نصوص دینی، صورت‌بندی جدیدی از مناسبات حکومت و مردم ارائه نمود. در منابع شریعت مفاهیمی وجود دارد که با توجه به این مفاهیم مدرن می‌توان معیار فقهی از این مفاهیم مدرن انجام داد و آن‌ها را بر مفاهیم نزدیک حمل کرد.

از جمله این مفاهیم، مفهوم شهروندی است که بر اساس این رویکرد، می‌توان آن را بر مفهوم رعیت، ملت، امت و ناس در آثار فقیهان و متکلمان اسلامی حمل کرد.

همین‌طور نزدیک‌ترین مفاهیم در گزاره‌های فقهی که با ایده مشارکت سیاسی هم‌نشینی مفهومی و معنایی دارد و در عین حال به لحاظ منطقی با آن سازگاری می‌یابد، نظریه شورا یا مشورت است که بر ایجاد قدرت و حاکمیت از لایه‌های پایین جامعه معنا می‌دهد و از همین رو به استوار کردن نظام قدرت بر مدار تصمیم‌گیری و لزوم مشارکت همگانی دلالت دارد. به این ترتیب، مفهوم شورا در فقه سیاسی اسلام، نهادی اجتماعی - سیاسی است که راهبری جامعه و اعمال حاکمیت

فصل اول: کلیات و مفاهیم

را بر اساس خرد جمعی تعریف می‌کند؛ بنابراین رویکرد کلی منابع و آرای فقه سیاسی در زمینه مشارکت شهروندان را می‌توان بر مبنای الزامات فقهی - حقوقی، از جمله لزوم حمایت از مداخله شهروندان در امر سیاست و تعیین سرنوشت سیاسی تبیین و توجیه کرد و حقوق و تکالیف شهروندی را با توجه به مفاهیم فقهی که در برگزیده مؤلفه‌های این حق‌ها و تکالیف است می‌توان از فقه سیاسی اسلام استنباط نمود.

اما از آنجایی که شهروندی و حقوق و تکالیف آن مبتنی بر اصول و مبانی است و باتکیه بر آن‌ها شکل گرفته و توجیه می‌شود. غالباً این اصول و مبانی از نظرها دور می‌ماند، بررسی این اصول و مبانی نیز در اهمیت کم‌تر از خود شهروندی و حقوق و تکالیف نیست؛ زیرا این مفاهیم تا بر مبانی مستحکم متکی نباشند، توجیه معقول و منطقی پیدا نخواهد کرد و در نتیجه مشروعیت و اعتبار نخواهد یافت. بنابراین لازم است، برخی از مسائل مهم هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. مسائلی از این قبیل که حقوق شهروندی انسان‌ها از کدام منبع نشأت می‌گیرد و مبدأ اعتبار و منشأ اکتساب آن چیست؟ آیا در سنت اسلامی، حقوق طبیعی و فطری انسانی که بر پایه کرامت ذاتی او قرار دارد، مورد پذیرش است و آیا انسان به دلیل کرامت ذاتی خود می‌تواند از یک سلسله حقوق، از جمله حقوق سیاسی برخوردار باشد؟ مرجعیت دین در شناخت حقوق سیاسی - اجتماعی تا چه حد است و آیا برای تعیین حقوق سیاسی باید به دین و منابع دینی رجوع کرد یا حقوق انسانی شهروندی، امری و خارج از قلمرو شریعت است؟

این‌ها مسائل مبنایی بنیادین و مهمی هستند که اتخاذ هرگونه موضعی در این باره، نتایج و پیامدهای متفاوتی را در بحث از شهروندی و حقوق و تکالیف سیاسی - اجتماعی به دنبال خواهد داشت و در تعیین شناخت حقوق و وظایف شهروندی بسیار تعیین کننده خواهد بود و هر موضوعی که در قبال آن اتخاذ گردد، در تعیین مفهوم شهروندی بسیار تأثیرگذار است. بنابراین پرداختن به این مسأله اولین گام در مسیر تبیین و شناخت شهروندی محسوب می‌شود و این‌که فقه سیاسی حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندی انسان را بر اساس کدام مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی اثبات می‌کند و در استدلال بر آن، چه قواعد و اصولی از سنت اسلامی را مورد استناد قرار می‌دهد دارای اهمیت است. این تحقیق اثبات می‌کند که تأمل در گزاره‌های فقه سیاسی و آثار بسیاری از فقیهان نشان می‌دهد که باور به خاستگاه الهی حقوق، اعتقاد به حقوق فطری، باور به کرامت ذاتی انسان، مرجعیت دین در زندگی سیاسی و تأکید بر عقل و عدالت و گزاره‌های قطعی عقلانی، مهم‌ترین بنیادهای نظری حقوق و تکالیف سیاسی در فقه سیاسی است که اندیشه فقیهان در باب حقوق سیاسی شهروندی بر پایه آن‌ها قرار دارد.

۱. بیان مسئله

شهروندی در هر بستر و محیطی که اعمال شود، عبارت از موقعیت و عضویت است که جایگاه فرد و حقوق و تعهدات و مشارکت او را در جامعه تعیین می‌کند. در این مفهوم شهروندی دارای چهار رکن عضویت، حقوق، تعهدات و مشارکت می‌باشد؛ بنابراین، یکی از مسائل این تحقیق، مسئله عضویت است و این‌که عضویت اجتماعی و سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام چگونه تعیین می‌شود؟ در حالی که تمدن غرب، در تعریف عضویت شهروندی بر محوریت خاک و

فصل اول: کلیات و مفاهیم

تعهد سیاسی و پیوندهای خونی سامان می‌یابد، ملاک عضویت در فقه اسلامی چیست؟ مبانی و اصول شهروندی در فقه اسلامی چیست؟ آیا در فقه اسلامی دلالت‌های بحث شهروندی را می‌توان ردیابی کرد؟

مسئله دیگری که در این تحقیق دنبال می‌شود مسئله مشارکت سیاسی است؛ چرا که شهروندی بی‌انگیز ارتباط میان حقوق، مسئولیت‌ها و مشارکت است. مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش عامل کلیدی پیوند دادن حقوق و مسئولیت‌هاست و تنها از طریق اعمال فعالانه تقابل کاذب حقوق و مسئولیت‌ها را از بین برد؛ بنابراین باید دید در فقه اسلامی چه گزاره‌ها و سازوکارهای برای تحقق مشارکت سیاسی فعال شهروندان وجود دارد.

مسئله سوم شهروندی اقلیت‌های مخالف سیاسی - اعتقادی است؛ زیرا چه مفهوم شهروندی در آموزه‌های دینی به‌کاررفته باشد و یا بتوان مؤلفه‌ها و عناصر آن را در گزاره‌های فقهی ردیابی کرد یا خیر، باید پذیرفت امروزه شهروندی به یکی از مهم‌ترین ایده‌های سیاسی عصر حاضر تبدیل شده است که دارای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و اجتماعی است؛ بنابراین مسائلی را برای جوامع اسلامی می‌تواند ایجاد کند؛ برای مثال این مباحث و مسائل در موضوع شهروندی بسیار مهم است و باید روشن شود که آیا شهروندان در کنار حقوق انسانی، از حقوق سیاسی و اجتماعی یکسانی برخوردار هستند یا این‌که فقه اسلامی عواملی چون ایمان و عقیده را نیز در بهره‌مندی از حقوق و تکالیف شهروندی مؤثر می‌داند، و اگر چنین مسائل و معیارهای در بهره‌مندی از حقوق سیاسی و اجتماعی مؤثر و صادق باشد، به معنای تبعیض در شهروندی و حقوق مسئولیت‌های شهروندی نیست و چگونه با گزاره‌های موجود در فقه اسلامی و تفاوت بین مسلمان و کافر به شهروندی و حقوق و تکالیف برابر در جامعه اسلامی رسید، با توجه به برخی احکام مسلم فقهی از منظر فقه سنتی چه گونه می‌توان ادعا نمود شهروندی و حقوق و تکالیف شهروندی متعلق به همه افراد ساکن در یک قلمرو جغرافیایی است و اسلام در بهره‌مندی از حقوق امتیازات شهروندی هیچ‌گونه عامل تبعیض‌آمیز را نمی‌پذیرد؛ بنابراین با عنایت مبانی دینی، شهروندی مبتنی بر عدالت و برابری و کرامت انسانی چه گونه قابل توجیه و تفسیر است.

۲. ضرورت تحقیق

امروزه مفاهیم بسیار متنوعی با بار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... وارد فرهنگ و نظام سیاسی، اجتماعی اسلام می‌شود و جهان اسلام در پذیرش نهایی این مفاهیم و مسائل، آثار و پیامدهای آن‌ها در تردید قرار دارد، اما هر چه زمان می‌گذرد این مفاهیم در فرهنگ و جایگاه مفاهیم اسلامی برجسته‌تر می‌شود. یکی از مفاهیمی که با بار سیاسی و حقوقی به ساحت تفکر اسلامی وارد گردیده است، مفهوم و ایده «شهروندی» است. مفهومی که تا پیش از نفوذ فکری غرب در جهان اسلام، چندان مورد توجه فقه قرار نگرفته و تنها پس از حضور فرهنگ غرب در این جوامع است که در کانون توجه بسیاری از متفکران مسلمان قرار می‌گیرد.^۱ امروزه بسیاری از دولت‌ها بخشی از قانون اساسی خود را به ایده شهروندی

۱. ر. ک: مسعود پدram، روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب، ص ۹؛ سیدصادق حقیقت؛ سید میرعلی میر موسوی، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، ص ۴۵.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

اختصاص داده و نقش شهروندان در حکومت و حاکمیت سیاسی آنان را به رسمیت شناخته‌اند.^۱ فعال کردن ایده شهروندی در جامعه مکانیسم مؤثری برای کاهش نزاع‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای، قومی و جنسیتی در هر جامعه است. در جوامع متکثر، ملی، مذهبی یا حتی با ساختارها و سیستم‌های قبل از مدنی، مفهوم شهروندی به ملاکی برای درجه پیشرفت، تحول و توسعه در این جوامع تبدیل می‌شود، به این معنی که هر زمان تشکل‌ها و مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زیادی وجود داشته باشد، شهروندی مبنای ایجاد یک دولت مدنی مردم‌سالار تلقی می‌شود، و بدین ترتیب تبدیل می‌شود به تابعیت معیار تکالیف و حقوق که از طریق آن رابطه بین جامعه و دولت تعیین می‌شود. از آنجاکه در جوامع اسلامی، فقه به‌عنوان منابع دین عنصری نیرومند در قانون‌گذاری حضور دارد و مبنای نظام سیاسی و رفتار دولتمردان و شهروندان را تشکیل می‌دهد، ناگزیر باید انطباق یا عدم انطباق مفاهیم مدرن با آن سنجیده و تراز شود. ضروری به نظر می‌رسد که این مفاهیم به‌عنوان حوادث واقعه بر دستگاه‌دانی فقه عرضه و پاسخ فقه را در این مفاهیم به دست آورده و شیوه تعامل و یا احیاناً تبیین آن را با استناد به منابع روشن و آثار مثبت ایده شهروندی را از آن پاسخ بگیریم.

۳. سؤالات تحقیق

سؤال اصلی تحقیق: معیار و مبانی دینی حاکم بر شهروندی از دیدگاه فقه اسلامی چیست؟

۴. سؤالات فرعی

برای پاسخ به پرسش اصلی می‌توان پرسش‌های فرعی زیر را مطرح کرد:

۱. شهروندی در فقه اسلامی چیست؟
۲. دیدگاه فقه اسلامی در باره جلوه‌های سیاسی - اجتماعی شهروندی مسلمانان چیست؟
- دیدگاه فقه اسلامی در باره راهکارهای مشارکت سیاسی شهروندی چیست؟
۳. دیدگاه فقه اسلامی در باره شهروندی اقلیت‌های مخالف سیاسی - عقیدتی چیست؟

۵. فرضیه تحقیق

تحقیق حاضر بر این فرضیه استوار است که شهروندی در اندیشه سیاسی اسلامی بر اساس فطرت مشترک انسانی و کرامت ذاتی انسان‌ها بنا نهاده شده است. انسان‌ها فطرتاً از نوعی حقوق فطری و طبیعی به طور مساوی برخوردارند و حکومت اسلامی و کارگزاران نظام سیاسی مکلف‌اند این حقوق را به رسمیت شناخته و محترم شمارند. از جمله این حقوق که از جانب خداوند به انسان‌ها در او به امانت گذاشته شده‌اند، کرامت ذاتی، آزادی بیان، حق داشتن ضروریات زندگی، حق شرکت در سرنوشت سیاسی و احزاب سیاسی و اجتماعی و... می‌باشند. این حقوق از یک سو حق و از سوی دیگر تکلیف به حساب می‌آیند. حقوق و تکالیف شهروندی در اسلام منحصر به مسلمانان نیست بلکه همه شهروندانی که

۱ شعبان الصادق، *الحقوق السياسية للانسان فی الدساتیر العربیة*، ص ۳۲۱-۲۹۱.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

در قلمرو نظام سیاسی اسلامی زندگی می‌کنند، از آن برخوردارند؛ چون در اندیشه سیاسی اسلامی، همه انسان‌ها دارای فطرت مشترک و کرامت ذاتی‌اند.

۶. هدف تحقیق

نکته اساسی در پژوهش حاضر این است که با استفاده از منابع فقه اسلام و نظریات فقیهان مسلمان تلاش دارد نسبت قابل دفاع میان آموزه‌های دینی و مفاهیم نوظهور را کشف کند؛ چرا که ادعای پذیرفته در باره شریعت این است که با ارائه مجموعه‌ای از آموزه‌های کلی و موردی مسائل و موضوعات مورد نیاز انسان‌ها در هر زمینه سخن گفته است؛ بنابراین، شناخت معیار و مبانی شهروندی به‌عنوان یک مفهوم جدید، در نصوص فقهی و کشف نسبت میان فقه و مسائل جدید به‌عنوان «حوادث واقعه» از رهگذر شهروندی وجه همت این تحقیق در حد بضاعت نویسنده می‌باشد.

۷. روش تحقیق

شهروندی در حوزه علوم نظری قرار می‌گیرد و پژوهش در ارتباط با آن، از نظر جمع‌آوری مدارک، روش توصیفی - تحلیلی با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای است؛ در این راستا مراجعه به منابع چهارگانه فقه اسلامی از طریق آثار مکتوب و دیجیتال برای گردآوری مطالب مدنظر، سپس تبیین و تحلیل داده‌های به‌دست آمده در مسئله شهروندی و تکالیف و حقوق شهروندان و حکومت توصیف تبیین شده است. در این مسیر، تلاش بر آن بوده است که از آثار فقهای برجسته گذشته فقهای معاصر مذاهب اسلامی بهره گرفته شود.

۸. پیشینه تحقیق

در زمینه حقوق شهروندی که ریشه در مسائل حقوقی و سیاسی دارد تحقیقات وسیعی صورت گرفته است. مفهوم‌پردازی از شهروندی در اندیشه سیاسی و اجتماعی مدرن با مؤلفه‌های چون حقوق، وظایف، مشارکت، رضایت و امتیازات شهروندی، تعریف و تبیین شده است.

در جهان‌بینی الهی به‌ویژه در اندیشه سیاسی اسلام، مفهوم شهروندی و حقوق برگرفته شده از آن، از دیرباز مورد توجه قرار گرفته است. اما هیچ‌یک از تحقیقات تا آنجای که نگارنده بررسی نموده است، مبتنی بر مبانی و قواعد فقهی که بتواند مبانی دائمی و ملاک همیشگی برای این موضوعات و مسائل باشند، نبوده‌اند.

عمده این تحقیقات از حقوق گروه‌های خاص به‌ویژه وضعیت شهروندی اقلیت‌های دینی سخن نگفته‌اند و یا برای آنان جایگاه انسانی قائل نبوده‌اند.

به‌عنوان نمونه ۱. کتاب حقوق شهروندی از منظر فقه اسلامی و حقوق بشر مدرن، نوشته حسین نصری مقدم و حسن غوث، در این کتاب شهروندی و معیارها و مبانی آن توضیح داده نشده است، علاوه بر این که مباحث همچون مشارکت سیاسی که امروزه یکی از جلوه‌های بارز شهروندی است مورد بحث واقع نشده است.

۲. کتاب شهروندی و جمهوری اسلامی ایران؛ مبانی و اصول، نوشته رضا عیسی نیا، این کتاب هر چند تحقیق نسبتاً جامعی است اما در باره مباحثی چون مشارکت سیاسی شهروندی مباحث فشرده و ناکافی مطرح شده است، در ارتباط با شهروندی مخالفان سیاسی - عقیدتی، بحث فقهی جامع صورت نگرفته است، علاوه بر اینکه به نظر می‌رسد نویسنده با

فصل اول: کلیات و مفاهیم

پیش فرض و مسلم گرفتن «ایمان و عقیده» به عنوان معیار شهروندی در اسلام، مباحث و مسائل شهروندی را بر آن استوار نموده است. امری که تحقیق حاضر حداقل در این مسئله تشکیک دارد و عامل تابعیت و شهروندی از منظر فقه اسلامی را فطرت مشترک انسانی می داند.

۳. حقوق و تکالیف شهروندان و دولت مردان، نوشته سید جواد ورعی، در این تحقیق نیز از مبانی و معیار شهروندی بحث نشده است و صرفاً به مصادیقی از حقوق و تکالیف شهروند و دولت اکتفا شده است.

کاستی مشترک تحقیقات مزبور این است که در همه این تحقیقات به مسائل و موضوعاتی که در ظاهر به عنوان چالش های شهروندی مطرح می باشند مانند مجازات ارتداد، مجازات قصاص، و مسئله جهاد که امروزه به عنوان گزاره های چالش های شهروندی و حقوق و آزادی های شهروندان در نظام سیاسی اسلامی تلقی گردیده است پرداخته نشده است. اما در تحقیق حاضر به این چالش ها توجه گردیده و در حد توان بر اساس اصول و مبانی فقهی این چالش های ظاهری و صوری، تفسیر و توجیه گردیده است.

۹. نوآوری تحقیق

شهروندی به معنای جدید آن دارای سابقه چندان مکتوب و دیرین در متون نظری سیاسی اسلام نیست و این بحث از منظر فقه سیاسی کمتر مورد توجه بوده است؛ بنابراین نوآوری تحقیق در این است که تلاش کرده تا بانکیه بر مبانی و اصول، نگرش نسبتاً جامع که در بردارنده معیار و ساحت های مختلف شهروندی را در حکومت دینی از منظر فقه اسلامی بررسی کند و از آن پاسخ جسته و حقوق و تکالیف مبتنی بر آن را به دست آورد.

۱۰. ساختار تحقیق

برای دستیابی به اهدافی که در پژوهش به دنبال آن هستیم، این رساله دنبال متشکل از یک مقدمه چهار فصل و یک جمع بندی و نتیجه گیری تشکیل شده است. در مقدمه به معرفی اجمالی محتوای اثر پرداخته شده است. در فصل اول که کلیات و مفاهیم است در برگزیده سه مبحث است. در مبحث نخست بیان مسئله، ضرورت، هدف، روش و هدف تبیین گردیده است. در مبحث دوم مفاهیم کلیدی و تحلیل مفهومی آن ها و واژگان وابسته به این مفاهیم، پرداخته شده است. فصل دوم به مباحث پیشینه، معیار شهروندی در نظام حقوق غرب و فقه اسلامی و مبانی شهروندی در نظام سیاسی اسلامی اختصاص یافته است.

در فصل سوم نیز بر اساس نتایج به دست آمده از فصل دوم، حقوق و آزادی های شهروندی مسلمانان، همیار و همراه نظام سیاسی اسلامی از منظر فقه اسلامی و دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی تبیین گردیده است.

در فصل چهارم شهروندی اقلیت های مخالف نظام سیاسی، اعم از اقلیت های سیاسی - اقلیت های سیاسی عقیدتی و اصول تعامل نظام سیاسی اسلام با شهروندان مخالف و جایگاه حقوقی آنان در سه مبحث سامان یافته است.